

جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم

اسکات لتس

ترجمه‌ی حسن چاوشیان



فهرست

۱	مقدمه
	فصل یک
۵	پست‌مدربیسیم به سوی یک تلقی جامعه‌شناختی
۹	توصیف پست‌مدربیسیم
۹	به مثابه‌ی یک نظام دلالت
۱۱	مدرنیراسون و تمایزایی
۱۵	خودمحتاری مدرسیتی
۱۹	تمانزدایی پست‌مدربستی
۲۵	تیس پست‌مدربیسیم- هویت جمعی
۲۷	بی‌ثبات شدن مدرسیتی هویت بورژوازی
۳۰	ناز تثبیت پست‌مدربستی
۳۴	«تمایز» یا «تفاوت»؟
۴۰	هویت طمق‌هی کارگر
۴۸	شهر
۵۷	به سوی اقتصاد سیاسی
۶۱	طرف تقاضا
۶۵	طرف عرصه
۶۹	کالاهای فرهنگی و کالاوارگی

فصل چهار	
۱۶۷	عقلانیت ارتباطی و میل
۱۶۷	روی بویس و اسکات لش
فصل پنج	
۱۸۰	مدربیته یا مدربیسیم؟ وبر و نظریه‌ی اجتماعی معاصر
۱۸۳	مدربیسیم به مثابه‌ی ضد عقلانیت
۱۸۸	مدربیسیم به مثابه‌ی عقلانیت ابراری
۱۹۵	مدربیسیم به مثابه عقلانیت ذاتی
۲۰۴	حایگاه وبر
۲۰۷	مدربیسیم، سیاست، و پورتیتویسیم حقوقی وبر
۲۱۶	نکات پایانی
بخش دو	
فرهنگ پست‌مدربیسیم	
فصل شش	
۲۲۰	نظریه‌ی انتقادی و فرهنگ پست‌مدربیسیم افول هاله
۲۲۶	پایان هاله
۲۴۳	ملاحظات پایانی
فصل هفت	
۲۴۷	گفتمان یا تصویر؟ پست‌مدربیسیم به مثابه «نظام دلالت»
۲۵۲	احساس در برابر تأویل
۲۵۹	سوررنالیسم تبدیل واقعیت به دال
۲۶۶	سیمما-ار نارمود تا واقعیت
۲۷۸	نتیجه‌گیری

بخش یک	
پست‌مدربیسیم و نظریه‌ی اجتماعی	
فصل دو	
۸۲	تاریخ‌شناسی و بدن فوکو/دولور/بیچه
۸۲	مقدمه
۸۴	فوکو بدن معفل
۸۴	(۱) ندیبی کلاسیک و ندیبی مدرن
۸۸	(۲) تاریخ‌شناسی بدن
۹۰	(۳) فوکو و دولور
۹۷	دولور در کشاکش میل و جامعه
۹۸	(۱) پویش‌های اسکیروفراییبی بر ضد لکان و فروید
۱۰۱	(۲) بدن بدون اندام
۱۰۳	بیچه بدن و ممانع آن
۱۰۴	(۱) فرآیندهای ارگانیک
۱۰۶	(۲) بدن‌ها و معرفت
۱۰۸	(۳) آموزه‌ی معنی
۱۰۹	(۴) خلاصه
۱۱۱	نکات پایانی
فصل سه	
۱۱۵	پست‌مدربیته و میل
۱۱۹	نظریه‌ی اجتماعی به مثابه‌ی میل
۱۲۰	ریبانشاسی تعدی
۱۳۲	لیبیدو و ناری‌های رنایی
۱۴۳	ار دلالت تا احساس
۱۴۶	پست‌مدربیته‌ی فرهنگی یک تیپ ایده‌آل
۱۴۸	هانرماس بر علیه بو-بیچه‌ای‌ها
۱۴۸	مسأله‌ی حق
۱۵۸	وفاق مسأله‌برانگیر لیوتار علیه هانرماس
۱۶۲	چند ملاحظه‌ی پایانی

مقدمه

واضح است که پست‌مدریسم دیگر فقط یک محث مد رور بیست، بلکه پارادایمی فرهنگی است که شایسته‌ی مطالعه‌ی حدی است علم اجتماعی مورد نظر مارکس و وبر بیر، در کنار سایر مسایل، به‌طور کلاسیک به کشف پیوندهای میان حوره‌های فرهنگی و اجتماعی اختصاص داشته است این کتاب بیر حاوی مجموعه‌ی مسحم و پیوسته‌ای از تحلیل‌های حدی جامعه‌شناختی درباره‌ی پست‌مدریسم است در این کتاب پست‌مدریسم براساس بطریه‌ی اجتماعی، بررسی جامعه‌شناختی فرهنگ، و شالوده‌های قشربدی اجتماعی پست‌مدریسم، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

من پیش از این جستارهای تحقیقی مفصلی درباره‌ی پست‌مدریسم منتشر کرده‌ام، جستارهایی که به معنای دقیق کلمه، جامعه‌شناختی بوده‌اند. برخی از این جستارهای قدیمی‌تر که فقط در نشریه‌هایی چاپ شده بودند که اکنون به آسانی در دسترس دانشجویان نیستند، در این کتاب تحدید چاپ شده‌اند اما بحش عمده‌ی این کتاب را مطالب کاملاً حدید تشکیل می‌دهد این کتاب ناید همچون کلیت واحدی نگریسته شود، نه به عنوان مجموعه‌ای از مقاله‌ها.

بحث سه

مدرنیسم و پست‌مدرنیسم و همسسته‌های اجتماعی آنها

فصل هشت

۲۸۶	مدرنیسم و هویت نورژوایی / پاریس / وین / برلین
۲۹۰	مدرنیسم «واقع‌بودگی» فرهنگی و اجتماعی
۳۰۰	مدرنیسم عامیانه در برابر مدرنیسم ناروک پاریس و وین
۳۰۱	هرهای نصری مدرنیسم «روانشناختی» در برابر مدرنیسم «جامعه‌شناختی»
۳۰۸	طبقه‌های اجتماعی و کاربردهای فضای شهری
۳۱۵	برلین مدرنیست دولت در برابر جامعه‌ی مدنی
۳۱۵	شهر و مدرنیاسیون دولتی
۳۲۱	مدرنیسم ریباشناختی «صد-دولت»
۳۲۷	اشعاب‌های طبقه‌ی حیدید. قهرمانان جامعه‌ی مدنی
۳۳۳	نتیجه‌گیری‌ها

فصل نه

۳۳۸	مدرنیاسیون و پست‌مدرنیاسیون در آثار پی‌یر بوردیو
۳۴۲	مدرنیاسیون بازارها و میدان‌ها
۳۴۷	مبارزه برای خودمختاری مدرنیستی
۳۴۸	چه مقدار «خودمختاری نسبی»؟
۳۵۳	ست و پست‌مدرنیته
۳۵۵	مدرنیاسیون به مثابه‌ی فرآیند
۳۵۸	پست‌مدرنیسم
۳۶۳	مدرنیسم / پست‌مدرنیسم به مثابه‌ی نظریه‌ی اجتماعی
۳۷۰	تأمل‌گری و اعتبار
۳۷۳	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۷۴	(۱) ست در برابر مدرنیته
۳۷۵	(۲) مدرنیاسیون
۳۷۷	(۳) مدرنیسم و پست‌مدرنیسم
۳۸۱	یادداشت‌ها
۴۰۱	نمونه‌ی نام‌ها
۴۰۷	نماینده‌ی موضوعی

خواهم داد؛ و در پایان (۵) اقتصاد سیاسی پست‌مدربیسیم را با توجه به تولید، مصرف، و کالاوارگی بررسی خواهم کرد

طی فصل‌های ۲ تا ۵ از طریق تحلیل نظریه‌ی اجتماعی به پست‌مدربیسیم می‌پردازم فصل‌های ۲، ۳، و ۴ به کشف مقدماتی ماهیت فرهنگ تصویری - و پست‌مدرن - در تقابل با صورگفتامی و مدیریستی اختصاص دارند. بدین ترتیب، فصل ۲ به مقایسه‌ی انتراع مدیریستی با دلالت پست‌مدرن می‌پردازد که، نا ارجاع به نیچه، فوکو، و دولور، «مدن» صورت خاص و انضمامی این دلالت پست‌مدرن محسوب می‌شود فصل‌های ۳ و ۴ مقایسه‌ای است بین کانون توجه انتزاعی مدیریستی که معطوف به ریان و ساختار است، با مسائل پسا‌ساختارگرایانه و پست‌مدربیسیتی «میل» نظریه‌پردازان اصلی در این بحث عبارت‌اند از فوکو، لیوتار، و هارماس اگر مدیریاسیون فرآیند تاریخی درازمدت تمایز فرهنگی باشد که از رساس و روشگری سرچشمه می‌گیرد، در این صورت تمایزیابی و خودمختاری تمام عیار فقط با ظهور مدیریسم ریاشاحتی در آغار سده‌ی نوزدهم پدید می‌آید در فصل ۵ استدلال خواهم کرد که پیدایش جامعه‌شناسی نیر بخشی از همین فرآیند خودمختار شدن تمام عیار است، و این بحث با بررسی آثار ماکس وبر به پیش می‌رود

در فصل‌های ۶ و ۷ همین الگوی تمایزیابی و تمایزدایی را برای جامعه‌شناسی فرهنگ به کار می‌برم در فصل ۶ تمایزدایی پست‌مدرن از طریق ادغام و انحلال امر فرهنگی در امر اجتماعی، همراه با افول «هاله»ی مدیریستی، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در فصل ۷ پست‌مدربیسیم به مثابه‌ی «نظام» دلالت «تصویری»، و نه نظام «دلالت گفتامی» (مدربیسیتی)، بررسی می‌شود که در آن دال با مدلول و همچنین

جامعه‌شناسی پست‌مدربیسیم به هیچ‌وجه نوعی مرور ادبی نیست، بلکه وحدتی ناشی از سه فرصیه‌ی مسحوم و نه هم مرتبط دارد این سه فرصیه عبارت‌اند از

(۱) فرصیه‌ی تغییر فرهنگی و آن این که، مدیریاسیون فرآیند تمایز فرهنگی است در حالیکه پست‌مدربیراسیون فرآیند «تمایزدایی» فرهنگی است

(۲) فرصیه‌ی نوع فرهنگی و آن این که، مدیریسم شکل‌بندی فرهنگی «گفتامی» است در حالی‌که پست‌مدربیسیم شکل‌بندی فرهنگی «تصویری» است.

(۳) فرضیه‌ی قشربندی اجتماعی و آن این که، تولیدکنندگان و مخاطبان خاص فرهنگ مدیریستی و پست‌مدربیسیتی را در میان طبقات اجتماعی و دسته‌بندی‌های طبقاتی در حال افول و ظهور می‌توان یافت

پس از این مقدمه، در فصل یک هر سه فرصیه‌ی فوق یک به یک و به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند این فصل از کتاب بیش از همه به کار کسانی می‌آید که مطالعه‌ی پست‌مدربیسیم را به تازگی آغار کرده‌اند در این فصل، (۱) نشان خواهم داد که منظور از تفاوت میان دلالت «گفتامی» (مدربیسیتی) و دلالت «تصویری» (پست‌مدربیسیتی) چیست، (۲) خطوط کلی فرآیندهای فرهنگی تمایزیابی و خودمختاری مدیریستی، و فرآیندهای تمایزدایی پست‌مدربیسیتی را دنبال خواهم کرد، (۳) چگونگی ارتباط مقوله‌های مدیریسم / پست‌مدربیسیم را با ساخت‌یابی و ساخت‌ردایی هویت‌های جمعی طبقات اجتماعی گوناگون بررسی خواهم کرد، (۴) چگونگی تحقق فرآیندهای مدیریاسیون و پست‌مدربیراسیون را در متن و رمیه‌ی فضا‌های شهری مورد ملاحظه قرار

فصل یک

پست مدرنیسم: به سوی یک تلقی جامعه‌شناختی

«پست مدرنیسم» به واژه‌ای عامیانه بدل شده است. روزنامه‌های اصلی چندین کشور رشته مقاله‌هایی درباره‌ی آن منتشر کرده‌اند برنامه‌های تلویزیونی بی شماری به مسایل مربوط به آن پرداخته‌اند. طراحان مدل مو و کارکنان بوتیک‌هایی که جوانان از آنها لباس یا نوارهای موسیقی می‌خرید، از لوس آنجلس تا برلین، درباره‌ی پست مدرنیسم چیرهایی شنیده‌اند و به احتمال زیاد عقیده‌ای درباره‌ی آن نیز دارند. تا کسی را نا حوش صحت همه‌ی کلان شهرهای مهم دنیا می‌توانند گردشگران را به بخش‌هایی از شهر برسد که معماری جدید پست مدرن در آنها یافت می‌شود

پست مدرنیسم با تبدیل شدن به واژه‌ای عامیانه، در عین حال چیری شیه کلیشه‌ای تکراری نیز شده است تقریباً همه‌ی گاهنامه‌های علمی امروری، حتی آنها که کمترین رابطه را با امور فرهنگی دارند، شماره‌ی ویژه‌ای درباره‌ی پست مدرنیسم منتشر ساخته‌اند مجموعه کتاب‌های جدیدی که از سگانه‌های انتشاراتی گوناگون بیرون می‌آید، با دستپاچگی، واژه‌ی پست مدرنیسم را در اکثر عناوین خود می‌گنجانند. یکی از ناشران آمریکایی مجموعه‌ی کاملی تحت عنوان «رمان و پست مدرنیسم» انتشار

به این یا آن شکل، همان قدر مرکزیت دارد که مارکسیسم برای نسلی داشت که در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ به پختگی فکری خود رسیدند در میان این جماعت جوان‌تر «پساپانکی» همدلی بسیار بیشتری با مارکسیسم یافت می‌شود تا در میان همسالان دانشگاهی آنها که به جریان اصلی وابسته‌اند اما معلمان سالمندتر «شصت و هشتی» آنها همانقدر در برابر افکار طاهراً «فرهنگ‌گرایانه»ی آنها جبهه می‌گیرند که نسل «پایان ایدئولوژی» دهه‌ی ۱۹۵۰ در برابر شصت و هشتی‌ها جبهه می‌گرفت

با توجه به این علاقه‌ی مستمر به مسأله‌ی، اگرچه نه واژه‌ی، «پست‌مدرنیسم»، در مرحله‌ی فعلی اوضاع از چه قرار است؟ از سویی تحلیل غیرانتقادی و حتی غیرمسئولانه‌ای از پست‌مدرنیسم، برای مثال، برد مفسر و نظریه‌پرداز اجتماعی فراسوی، ژان بودریار می‌بینیم از سوی دیگر انکارهایی از سوی چپ مارکسیستی، یا حمله‌ها و سرریش‌های اخلاقی-فلسفی به پست‌مدرنیسم برای مثال از سوی هابرماس دیده می‌شود. پست‌مدرنیسم بیش از همه در گفتمان ریاشناختی، گفتمان اخلاقی و گفتمان سیاسی محل مناقشه بوده است و چیزی که در این میان غالباً دیده نمی‌شود تحلیل منظم و حدی آن است، به‌خصوص تحلیل جدی جامعه‌شناختی

هدف این کتاب همین تحلیل حدی جامعه‌شناسانه است. قصد من این است که پست‌مدرنیسم را، به عنوان یک مفهوم علمی-اجتماعی (یا فرهنگی) هم از دست کسانی بحات دهم که آن را نوشدارو یا کارناوال می‌دانند و هم از دست کسانی که آن را نادیده می‌گیرند و یا به حدی یک کلیشه تنزل می‌دهند. قصد من این است که هم اعضای اجتماع علمی و هم طرفداران چپ سیاسی را متقاعد کنم که پست‌مدرنیسم را حدی نگیرند. برای این کار می‌خواهم ابتدا «تعریفی عملیاتی» از پست‌مدرنیسم

داده است این واژه برحی از دانشمندان حدی و روشنفکرانی را که گرایش چپ دارند، به راستی آزار می‌دهد برحی از سردبیران نشریات به این مباحث می‌کشد که هرگز شماره‌ای درباره‌ی پست‌مدرنیته نداشته‌اند در همایشی تاریخی که در دسامبر ۱۹۸۷ از طرف پیشوای فرهنگ-سیاسی SPD پیتر گلوئس برگزار شد و در آن روشنفکران سوسیالیست آلمان گردهم آمدند، واژه‌ی «پست‌مدرن» به کرات به گوش رسید، اما صرفاً برای نکوهش و تمسخر

با این حال، در زمان نگارش این سطور در تاستان ۱۹۸۹، حدود نیم دهه پس از آن که واژه‌ی پست‌مدرنیسم از مباحث مربوط به معماری جدا شده و در جریان اصلی ریدگی فکری و عمومی رواج یافته است، به‌خصوص روشنفکران جوان‌تر هنوز به شدت محذوب این واژه هستند میرگردها و کفراس‌هایی که درباره‌ی موضوع پست‌مدرنیسم برگزار می‌شود، بیش از هر موضوع دیگری، به‌خصوص در میان جوان‌ترها، همچنان رویدی تصاعدی خواهد داشت. دلیل این وضع تا حدی این است که هر کسی درباره‌ی پست‌مدرنیته حرفی برای گفتن دارد هر کسی عقیده‌ای در این‌باره دارد، و هر کسی پیشاپیش کارشناس این موضوع است حتی وقتی واژه‌ی «پست‌مدرنیسم» ارزش آئینی خود را یکسره از دست بدهد، و حتی برای پست‌مدرنیست‌های سرسپرده موجب شرمندگی و پریشانی شود، پرسش‌ها و مسایلی که از آن ناشی می‌شود تا مدت‌ها همچنان در مرکز صحنه ناقدی خواهد ماند - مخالفان پارادایم فرهنگی جدید، مثلاً فیلسوف آلمانی یورگن هابرماس، به اندازه‌ی شیفته‌گان این پارادایم یا حتی بیش از آنها به آن خواهند پرداخت مرکزیت مستمر آن، از حمله، به خاطر مسأله‌ی نسل‌های فکری است برای نسلی که طی اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ نالیده، پست‌مدرنیسم،